



ایمیل صفحه آخر: safhehakhir@shahrvand-newspaper.ir

تقویم تاریخ

تکیه زدن چیتانگ گای چک، مبارز قدیمی چینی بر مسند ریاست جمهوری تایوان (۱۹۴۸ میلادی) امضای پیمان طائف میان امام یحیی رهنبریم و ملک عبدالعزیز پادشاه عربستان در پایان جنگ بین دو کشور بر سر اختلافات مرزی (۱۹۵۵ میلادی) رأی ۶۰ درصد واجدین شرایط اهالی ایالت کبک کانادا به عدم استقلال این منطقه (۱۹۸۰ میلادی) اعلام رسمی کشف ویروس اچ‌آی‌وی (ایدز) از طرف لوک مونتانیه ویروس شناس فرانسوی در نشریه هفتگی سانس (۱۹۸۳ میلادی)

قاپ کوچک



۹۱ سال پیش، برابر با بیستمی ۱۹۲۷ میلادی، چارلز لیندبرگ، خلبان شهیر آمریکایی، با یک هواپیمای یک موتوره از نیویورک برخاست و پس از ۳۳ ساعت و ۲۱ دقیقه پرواز بدون توقف، عرض ۳ هزار و ۶۰۰ مایلی اقیانوس اطلس را طی کرد و در پاریس فرود آمد. این پرواز نخستین پرواز انفرادی و بدون توقف بین دو قاره آمریکا و اروپا بر فراز اقیانوس اطلس بود و شهرت بسیاری را برای لیندبرگ به همراه داشت. لیندبرگ در جوانی مدتی را در آلمان به سر برد و در طی آن زمان با دیدن هواپیمای آلمان‌ها در جنگ شد. او به سال ۱۹۱۷ در سن ۷۲ سالگی درگذشت.

این شرح بی نهایت

عدالت بهتر از شجاعت است، زیرا اگر مردم همگی عدالت را درباره همه به کار گیرند، از شجاعت بی نیاز می شوند. امام علی (ع)

عنایت او

دوست سلطان ودل ولایت اوست خرم آن دل که در حمایت اوست هر که رادل به عشق اوست گرو از ازل تا ابد ولایت اوست پس نماندز سابقان در راه هر که را پیش رو هدایت اوست عرش بر آستانش سرینهد هر که را تکیه بر هدایت اوست در دو عالم ز کس نلارد خوف هر که در مأمّن رعایت اوست چون ز غایات کون در گذرد این قدم در رهش بدایت اوست منتها اوست طالب اورا مقبل آن کس که او نهایت اوست با خود از بهر او جهاد کند اسدالله که شیر ریات اوست گو ممکن وقف هیچ جا گر چه مصحف کون بر زبانت اوست خود عبارت نمی توان کردن ز آنچه آن انتها و غایت اوست سیف فرغانی از سخن شتود اندکی زین نمط کفایت اوست سیف فرغانی

کیوسک

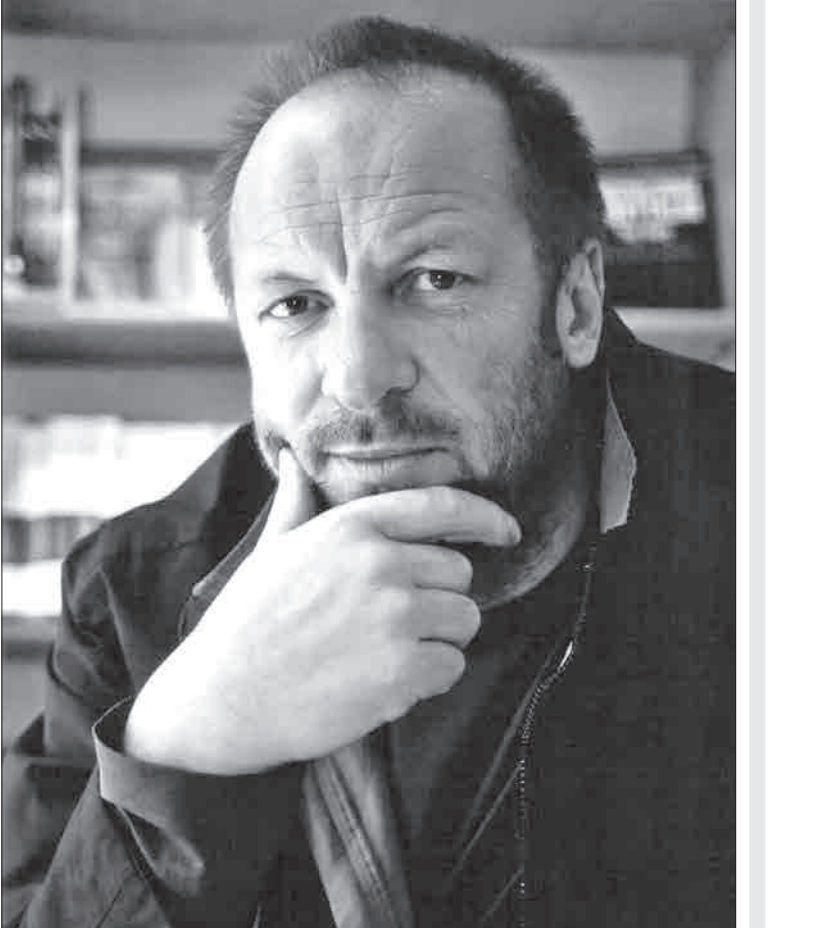
با ادبیات و تئاتر در شماره جدید «آزما»

شماره جدید ماهنامه «آزما» با مطالبی از جمال میرصادقی، محمود حسینی زاد، ناصر فکوهی، شهرام اقبازاده و علی کاشفی خوانساری منتشر شد. این شماره از ماهنامه با یادداشت سردبیر با عنوان «جایگاهی که فرو ریخت، حرمتی که دیگر نیست» درباره مطبوعات آغاز می شود و با مطالبی با عنوان «کتاب، واژه گمشده در ذهن کودکان رنج» درباره وضعیت تحصیل کودکان کار و «آسمان خانه ام ایرو است» درباره وضعیت خانه نیا میوشیخ ادا می یابد. پرونده نخست این شماره از ماهنامه «آزما» با عنوان «ما هول، مانگاه و اینک هیچ» که نگاهی به افراط در استفاده از نظریات متفکران غرب دارد با مطالبی چون نگاهی به کتاب «شعاری نو» بر دیوار کاغذی» از امیر احمدی آریان، گفتگو با احمد آرام، ناصر فکوهی و محمود حسینی زاد همراه است. «تراژدی قدرت را مسأله کنید» که به «زنان و سونامی اعتراض علیه توسعه مردسالاری» می پردازد، مقاله منتشر شده در این شماره از مجله «آزما» است.

همچنین شعرهایی از نیا میوشیخ، مهدی اخوان لنگرودی، اسماعیل شاهرودی، کارل کرور با ترجمه رضا سیدحسینی و هوشنگ طاهری و... و داستان های «همزاد آینه» از جمال میرصادقی، «پسری که دروغ می گفت تا کتاب بخواند» از ارنت کلاش با ترجمه کیگیاوس جهانناری و... در دو بخش شعر و داستان این شماره از ماهنامه است. نگاهی به کتاب «آسمان نازی گناهکار ابدی» که گفتگو با نسیم وهابی به بهانه انتشار کتاب «خاطرات یک دروغ گو» و «سوسی» روایت تاریخی و هویت ملی» از دیگر مطالب ماهنامه «آزما» هستند. شماره ۱۲۸ ماهنامه فرهنگی، اجتماعی «آزما» با صاحب امتیازی و مدیریت مسئولی ندا عابد و سردبیری هوشنگ اعلم با قیمت ۶ هزار تومان منتشر شده است.

فوکوس

۶۳ سال پیش، برابر با بیستمی ۱۹۵۵ میلادی، زیگفرت براز، نریتز، آهنگساز شهیر لهستانی در شهر ویلسکویاوا به دنیا آمد. براز نیز پیش از هر چیز به دلیل همکاری ویژه اش در قامت آهنگساز فیلم، با دیگر لهستانی شهیر عالم هنر و سینما یعنی کریستف کیشلوفسکی شناخته می شود. موسیقی براز نیز در آثار جون «زندگی دوگانه و ونیک» (۱۹۹۱)، «آب» (۱۹۹۳)، «سفید» (۱۹۹۴)، «فرمز» (۱۹۹۴)، «ده فرمان» (۱۹۸۸) نمودی بارز دارد و منهای ارزش های فیلم به عنوان اثری مستقل نیز مورد توجه و ستودن در ان موسیقی و عالم سینما واقع شده است. جالب اینکه براز نیز در زمینه فلسفه و تاریخ در دانشگاه کراکف لهستان به پایان رساند و هیچگاه همصورت رسمی تحت آموزش موسیقی قرار نگرفت. او به صورت خود آموز آهنگساز را از طریق گوش دادن به موسیقی و تنظیم قطعات از روی آثار ضبط شده فرا گرفت. سبک و شیوه آهنگسازی براز نیز از می توان نو و مانتیسم است. باگاتینی و سیلیوس از جمله کسانی بودند که بر او تاثیر بسیاری داشتند.



از هر دری سخنی

بابا سرگنی

«سپرک استعداد درخشان و خودخواهی بسیاری از خود نشان می داد و در نتیجه هم در کسب علوم، مخصوصا ریاضی که عشق و علاقه خاصی بدان داشت و هم در سواری و قوتون نظامی سرآمد اقران خود گشت، با وجود انانام فوق العاده بلندش، زیبا و چست و چابک بود و چنانچه خوی تند و مزاج آتشین تند نداشت رفتارش نیز سرسشوق و نمونه تمام دانشجویمان مدرسه نظام به شمار می رفت. باده گساری نمی کرد، گرد لپو و لب نمی گشت، صادق و راست گو بود. یکنه صفتی که مانع بود تا سرسشوق و نمونه قرار گیرد، طبعان ششم و غضبش بود که چون مقهور آن می گشت، دیگر قدرت تسلط بر خویشش نداشت و مانند در زمانهای وحشی به نظر می رسید. یکبار نزدیک بود یکی از همشاگردان خود را که می خواست از مجموعه سنگ های معنی وی به تمسخر گوید، از پنجره او حیاط بیندازد. بار دیگر نزدیک بود خود او را به هلاکت برساند، بشقایی پراز کلت را به سوی کارپرداز تراب کرده به سمت افسر دوید و می گویند افسر را به سبب آن که از قول خویش سرپیچی نموده و رودر روی وی دروغ گفته بود، سبیل زد. چنانچه رئیس دانشکده روی این قضیه سرپوش نگذاشته و کارپرداز را اخراج نکرده بود، یقینا او را از درجه افسری محروم ساخته و به سربازی می فرستادند.» قسمتی از داستان «بابا سرگنی» لئون تولستوی «بابا سرگنی» راوی داستان جوان زبیروی قوی بنیادی است که می خواهد در هر کار سرآمد دیگران باشد و بسیار خودخواه است. این افسر جوان پس از کسب معلومات عالی نظامی بر آن می شود که به اجتماعات اشرافی راه یابد، اجتماعات اشرافی در چه درجه او را می پذیرند اما کم کم در می یابد مجالس اشرافی دیگری هم هست. «بابا سرگنی» نام کتابی است که توسط لئون تولستوی در سال ۹۸۱، نوشته شده است. لئو نیکلایویچ تولستوی (تالستوی) از نویسندگان نامی تاریخ معاصر روسیه است. زمان های «جنگ و صلح» و «آنا کارنینا» او از بهترین های ادبیات داستانی جهان هستند. تولستوی در زمان زندگیش چهره و محبوبیتی جهانی داشت اما به سادگی زندگی می کرد. نام تولستوی در زبان انگلیسی معمولا به صورت «لئو» نوشته می شود.

نگاه

درباره «شرافت»

همراه این خانواده می شود و چنان در روند زندگی شان قرار می گیرد که نمی تواند تا پایان کتاب لفظهای آنها را رها کند. «شرافت» پیچیدگی های روشناسانه دارد و در ترتیب اتفاقات بسیار ماهرانه در کنار هم قرار گرفته اند. این کتاب روایت فوق العاده ای است بین گناه و مصومیت، وفاداری و خیانت، عشق و دلشکستگی و تقابلی است بین سنت و تجدد و البته سختی هایی که خانواده ای را از هم می پاشند. نثر اعجاب انگیز و بلیغ شافاک، همراه با کلمات و عبارات ترکی و کردی نفوذ می کند و شخصیت هایی را حیات می بخشد که مخاطب، آنها را واقعی می پندارد. این اثر با نام اصلی Honour بین سال های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۴ برنده و نامزد جوایز بین المللی متعددی شده است. کتاب «شرافت» در اردیبهشت ۱۳۹۷ توسط انتشارات «ری» به چاپ رسید و در سری ویکمین نمایشگاه بین المللی کتاب در تهران رونمایی شد. نشر «ری» آثار دیگری از الیف شافاک را به چاپ رسانده است: از جمله «شیر سیاه»، «خبرگی» و «خوشحالی این مولودانها». هر سه با ترجمه مهرنوش عدالت. «سه دختر حوا» نام رمان بسیار خواندنی و جذاب دیگری از الیف شافاک است که در سال ۲۰۱۶ منتشر شد و من آن را برای انتشارات «ری» ترجمه کردم. این کتاب در حال حاضر در ارشاد منظر اخذ مجوز چاپ است. امیدوارم توانسته باشم در راستای شناساندن یکی از آثار ادبی بین المللی نقشی داشته باشم.

طهرانی هادر میمانی خدا

فروشندگان متعده مذهبی مانند: قرآن و کتاب دعا و عکس و شمایل یغمبر، امام، فروشنده های سجاده و جامناز و مقنعه و کفن نوشته و ننوشته، فروشندگان زمین گور و مقبره و رواج کامل وصیت و وصیتنامه و تعیین وصی و قییم و ناظر و اقدام به امور خیریه و تهیه موقوفات و تصفیه محاسبات با این و آن و حلال کردن دارایی و اموال شیپهانک و همچنین سگ کدار حکیم و دوا فروش و زالویی و حجامتچی و زفتانداز و دالاک و رگ زن و دندان ساز و لوطی عنتری و... آسمانی و مشاطه. **بیدار شدن و بیدار کردن سحرا** دیگر از ادب و رسوم این ماه بیدار کردن یکدیگر در سحرا بود که صمیمیت و یگانگی و صفا و همبستگی مردم را به هم می رساند و آن نیز به این صورت انجام می گرفت که هر آینه هنوز خانوادگی با صنادی مناجات بیدار نشده که «غالباً هم از لاقیدی و آسایش خیال بیدار نمی شدند» و در خواب می ماند اولین نفری که در خانه یا خانه های دیوار به دیوار بیدار شده بود موظف بود سایرین از «طهران قدیم» به خامه جعفر شهیدی

شهنواز ایلدرمی - مترجم الیف شافاک

شهنواز ایلدرمی یکی از معروف ترین نویسندگان زن در این کشور است که شهرتی جهانی دارد. او را از این جهت جتجالی نامیدم، چون بارها به دلیل بیان صریح واقعیات و معضلات کشورش مورد انتقاد قرار گرفته است. او پس از چاپ رمان «حرامزاده استانبول» که آن را ابتدا به زبان انگلیسی نوشته بود، توسط حکومت ترکیه به جرم «خیانت به هویت ترکی و جمهوری ترکی» بازداشت و دادگاهی شد که در نهایت دادگاه به دلیل کافی نبودن دلایل او را برتیره کرد. اکثر آثار شافاک رویکردی اجتماعی، سیاسی، فمینیستی و گاهی صوفی گرانه دارند. او در برخی آثارش اعتقادات و رفتار شرق و غرب را در کنار هم قرار داده و نگاهی ریزبینانه بر اختلاف بین آنها دارد. «شرافت» یکی از آثار پر فروش این نویسنده است که تا کنون در سال ۲۰۱۱ چاپ شد. این کتاب نهمین رمان و چهارمین آنها به زبان انگلیسی است. او در مورد نوشتن رمان هایش به زبان انگلیسی گفته است: «انگلیسی نوشتن، فاصله ای شناختی میان من و فرهنگم که از آن آمده ام به وجود می آورد، فاصله ای که به من این توانایی را می دهد تا نگاه نزدیک تری به ترکیه و ترک بودن داشته باشم. نوشتن به زبان انگلیسی من را از آن فرهنگ و محدودیت های روانی که به خاطر ناخودآگاه در ترکیه داشته ام هادی کند.» شافاک در این اثر خود نیز زمانی اجتماعی - سیاسی را خلق کرده است. در این داستان تراژدی، رفتار

روایت

...تحولات دیگر ماه رمضان آمدن زولبیا و بامیه و گوش فیل و پشمک بود که فقط در همین ماه به بازار می آمد، چنانکه نقل قولی است از مظفرالدین شاه که گفته بود (ماه رمضان نمی آید زولبیا بامیه سسیری نوش جان کنیم) همچنانکه گفته بود (قران ز مستان که آب شاه و گدا یکی است) منظور خنک بودن آب فقیر و غنی که در این فصل هیچ کدام یخ نمی خواهند. تعطیل کسب و تجارت، مخصوصا در نصف اول روزهای ماه رمضان و سکوت و... و بهتزدگی مردم، از شرایط دیگر این ماه بود، خاصه تعطیل کامل پزنده های «هاار بازار» از قبیل: چلوپویی، دیزی پزی، یخنی پزی، شیر برنج پزی و قهوهچی، مخصوصا «پیهال فروش» و... و مطرب و لوطی و امثال آن و وی به حال یکی از آنها که در این ماه به پذیرایی مشتری و فروش امته خود بپردازد و کسی که در ملامع اقدام به روزه خواری کند. خلاف این گونه کسبه، کسبه ای بودند که این ماه، ماه کسب و کار و برکشان و رواجیشان بود، مانند حمامی ها، ساعت سازها، علما، وعاظ، عمر که گیرها، مسله گوها،